

اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر قانون اساسی

ملیحه بهشتی^۱

مریم ابن تراب^۲

سید حسین سجادی^۳

چکیده

قانون اساسی، سند ملی و قانون مادر در هر کشوری محسوب می شود که نمایانگر ایدئولوژی حاکم بر آن کشور است. در جمهوری اسلامی ایران با توجه به قیام مردم جهت دستیابی به یک نظام اسلامی و نجات از سلطه ی مستکبرین جهان، همچنین آرای بی نظیر مردمی به چنین نظام و قانون اساسی ای سبب میشود تا از پشتوانه بالای مردمی برخوردار باشد و در عین حال به دلیل آنکه اصول مندرج در قانون اساسی، برگرفته از احکام و قوانین اسلام است پابندی به آن دارای لزوم شرعی نیز میباشد. با نگرش و بررسی دقیق مواد قانون اساسی می توان اصول کلی سیاست خارجی را بدست آورد و پاسخگوی بسیاری از مسائل اجتماعی در زمینه سیاست خارجی بود.

این پژوهش با هدف تبیین چارچوب اصول سیاست خارجی برگرفته از قانون اساسی و تاکید بر اجرای آن توسط مسئولین انجام گرفته است که نتیجه ی استخراج مواد مذکور از قانون اساسی ؛ صلح در روابط بین الملل، طرد کامل استعمار و محو هرگونه استبداد و نفی هرگونه سلطه گری و سلطه پذیری، حمایت از مبارزه ی حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین جهت تامین سعادت انسان در کل جامعه بشری و حفظ استقلال و آزادی او در سایه ی عزت و عدالت است و بدین صورت بشر را از حصار حاکمیت ظالمانه ی زر و زور نجات میدهد لذا اجرای چنین قوانینی که بر اساس احکام اسلامی به تصویب رسیده است توسط مسئولین جمهوری اسلامی ایران منتج به زمینه سازی ایجاد عدالت جهانی خواهد شد

کلید واژه:

قانون اساسی - سیاست خارجی - عدم سلطه پذیری - صلح جهانی - حمایت از حقوق مظلوم - وفای به پیمان

^۱ دانشجوی دکترارشته ی الهیات، گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

beheshti26@vatanmail.ir

^۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

^۳ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

مقدمه:

در حکومت دینی باید قوانینی حاکم شود که برگرفته از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) باشد و دولتمردانی که با اعتقاد راسخ به آن قوانین، عملکرد شایسته در اجرای سیاستهای مندرج در قانون اساسی داشته باشند و ایران به عنوان تنها حکومت شیعه در جهان که بر اساس ایدئولوژی اسلامی شکل گرفته است الگوی بی بدیل در اجرای اصول اسلامی و قانونی باشد زیرا تلاش جدی در رعایت چهارچوبهای قانونی امور داخلی و خارجی، سبب تامین آزادی، امنیت، استقلال و عدالت برای تمامی بشر می گردد. قانون اساسی سخن رسمی انقلاب اسلامی در قالب یک مجموعه حقوقی است که همچون چراغ راهنما، ماهیت و بنیاد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را روشن می سازد و شیوه درک مسائل سیاست خارجی را نیز تبیین می کند و باورها و ارزش های ملت ایران را در عرصه های بیرونی نمایش می دهد.

۱_ مفاهیم و اصطلاحات

۱_۱_ سیاست

سیاست در لغت، عبارت است از حکم راندن بر رعیت و اداره کردن امور مملکت، حکومت کردن و ریاست کردن. (معین، ۱۳۸۳: ۱۰۷۵؛ عمیدزنجانی، ۱۴۲۱ ه.ق: ۱۲۵۶)، برخی از لغویین مانند ابن منظور در لسان العرب و فراهیدی در کتاب العین؛ سیاست را از مصدر ساس یسوس و به معنای قیام نمودن جهت تدبیر شئون مردم بر اساس مصالح آن ها می دانند. (ابن منظور، ۱۴۰۵ ه.ق: ۴۴۶؛ فراهیدی، ۱۳۸۳: ۳۳۵)

۱_۲_ سیاست خارجی

سیاست خارجی به معنی دنبال کردن هدف های کشور در محیط بین المللی و راهنمای موضع گیری در جهان است. (آشوری، ۱۳۹۶: ۱۵۰) جهتی را که یک دولت بر می گزیند و در آن از خود تحرک نشان می دهد و نیز شیوهی نگرش دولت را نسبت به جامعه ی بین المللی، سیاست خارجی می گویند. (قوام، ۱۳۸۰: ۱۰۲)

۱_۳_ قانون اساسی

قانون در اصطلاح حقوق اساسی، قضایایی است که شیوه رفتار انسان را در زندگی اجتماعی تعیین می کند، به این معنی که انسانها در زندگی فردی و اجتماعی باید چنین کنند و چنین نکنند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۵۱۸-۵۱۷) قانون اساسی محور اصلی نظام سیاسی و انتظام بخش به همه امور است و اجرای دقیق آن آزادی و حرمت انسانی را تضمین و راه را بر هرگونه استبداد و خودکامگی می بندد (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۱۰۸/۱۹؛ اصل ۳ بند ۶ قانون اساسی؛ تاجانی، ۱۳۸۷: ۴)، «قانون اساسی ستون فقرات نظام و در حقیقت مرکز اصلی سلسله اعصاب نظام است.» (حسینی خامنه ای (مدظله)، ۱۳۷۴/۱۱/۱۴) «منشور رسمی و

قانونی انقلاب و کشور عبارت است از قانون اساسی ما. همه چیزهایی که برای اداره امور ملت لازم است، به شکل متین و مستحکمی در این منشور وجود دارد.» (حسینی خامنه ای (مدظله)، ۱/۱۳۸۱/۹)

۲- منابع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که می توان نام آن را «قانون اساسی ناشی از شریعت» گذارد، مبتنی بر شرع مقدس تدوین شده است. زیرا «انگیزه انقلاب و رمز پیروزی آن اسلام بوده و ملت ما در سراسر کشور از مرکز تا دور افتاده ترین نقاط با اهدای خون و فریاد الله اکبر، جمهوری اسلامی را خواستار شدند و برسمیت شناختند. بنابراین قوانین باید صد در صد بر اساس اسلام باشد و اگر یک ماده هم برخلاف احکام اسلام باشد تخلف از آراء اکثریت قریب به اتفاق ملت است» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ۳۰۸-۳۱۰) و قانون اساسی جمهوری اسلامی یعنی قانون اساسی اسلام. (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ۴/۴۷۹) که بر پایه ی اعتقاد دیرینه به حکومت حق و عدل و قرآن، در پی پیروزی انقلاب اسلامی به تصویب رسید. (ر.ک: عمید زنجانی، ۱۴۲۱ ه.ق؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل اول و دوم؛ تاجانی، ۱۳۸۷: ۵)

مولفین و محققین حقوق، یک سلسله منابع را برای حقوق اساسی کشورها معین می کنند که؛ بعضی از این منابع، جنبه خاص دارد و برخی جنبه عام دارد و قانون اساسی اغلب کشورها متکی به آن است. اما منابع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تمامی قوانین اساسی کشورهای دنیا تفاوت دارد. زیرا علاوه بر آن منابع عام که با دیگر کشورها مشترک است، بعضی منابع بسیار معتبر اختصاصی هم دارد؛ منبعی مثل قرآن، معتبرترین و پر قدرت ترین منابع حقوق اساسی است که در اعماق فکر امت اسلامی ریشه دارد و به آن قانون، جنبه الهی و مشروعیت می دهد. حقوقی که اصول، احکام، مبنا، توجه و سیر و حرکتش اسلامی است، باید از قرآن به عنوان منبع خاص الهام بگیرد. اسلام در مفهوم اصلی و کامل خود، ارایه احکام پر تحرک و همیشه جاوید قرآن است. قرآن که از طریق وحی بر پیامبر نازل شده، در چهارده قرن گذشته به واقع، قانون اساسی امت اسلام بوده است. همه گروه های اسلامی با وجود گسست افکار و عقاید، نسبت به اصالت قرآن و حکومت قاطع احکام آن اتفاق نظر دارند؛ هر چند که از روی غفلت و یا جهل به آن عمل نکرده و یا نمی کنند. قانون اساسی جمهوری اسلامی، ملهم از قرآن است و در عین اینکه تشکیلات عالیه مورد نیاز کشور و وظایف آنها را با شکل قابل فهم روز تعیین می کند، به علت بناشدن بر مبانی اسلام، نمی تواند در هیچ مورد تضادی با قرآن داشته باشد. منابع فقه اسلامی - کتاب، سنت، اجماع، عقل - در عین حال که از منابع حقوق اساسی اند، به قرآن بازگشت دارند و بسیاری از اصول قانون اساسی به طور مستقیم متکی به سنت می باشند

۲-۱- اتکای قانون اساسی به کتاب و سنت

اکثر قریب به اتفاق اصول قانون اساسی به طور مستقیم در ارتباط با آیات قرآنی است؛ برای نمونه در این خصوص، به چند مورد اشاره می کنیم: مقدمه قانون اساسی با آیه بسیار مناسبی که جهت و هدف حقوق را مشخص می سازد، آغاز می گردد (حدید/۲۵)

که علت بعثت انبیا را مطرح می‌کند و باز در همان مقدمه، آنجا که از حرکت حکومت اسلامی بحث می‌کند، راه تشکیل امت واحده جهانی را ترسیم می‌نماید و آیه شریف دیگری را (انبیاء / ۹۲) منبع این تفکر می‌داند.

در خط گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان به آیه ۱۵۷ سوره اعراف (و بارهای سنگین، و زنجیرهایی را که بر آنها بود، (از دوش و گردنشان) بر می‌دارد) استناد می‌جوید. برای اینکه بنیادها و نهادهای سیاسی مملکت به دست مدیران لایق و صالح قرار گیرد، متوجه آیه ۱۰۵ سوره انبیاء (بندگان صالح من وارث (حکومت) زمین خواهند شد) می‌شود. قانون اساسی حکومت آینده مستضعفین را با استناد به آیه ۵ سوره قصص (ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهمیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم) محقق و مسلم می‌داند و در جهت آن ارایه طریق می‌کند.

قوای دفاعی کشور را با استناد به آیه شریفه ۶۰ سوره انفال (و شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آن کافران خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و تسلیحات و آلات جنگی و اسبان سواری زین کرده برای تهدید و تخویف دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم سازید و نیز برای قوم دیگری که شما بر (دشمنی) آنان مطلع نیستید (مراد منافقانند که ظاهراً مسلم و باطنا کافر محض‌اند) و خدا بر آنها آگاه است. و آنچه در راه خدا صرف می‌کنید خدا تمام و کامل به شما عوض خواهد داد و هرگز به شما ستم نخواهد شد) پر قدرت و محکم می‌خواهد. قضا را به نقطه استقرار عدل می‌کشاند و از آیه ۵۸ سوره نساء (هنگامی که میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید) مدد می‌گیرد، آنجا که جامعه اسلامی را یک جامعه نمونه و اسوه توصیف می‌کند، آیه ۱۴۳ سوره بقره مبارکه (همان‌گونه (که قبله شما، یک قبله میانه است) شما را نیز، امت میانه‌ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط)؛ تا بر مردم گواه باشید) را شاهد می‌آورد. اصل امر به معروف و نهی از منکر را به اتکای آیه ۷۱ سوره توبه (مردان و زنان باایمان، ولیّ (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند) و برای رعایت حقوق غیرمسلمانان آیه ۸ سوره ممتحنه (خداوند شما را باز نمی‌دارد از این که نیکی و بخشش بکنید به کسانی که به سبب دین با شما نجنگیده‌اند و از شهر و دیارتان شما را بیرون نرانده‌اند. خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد) را ملاک و ماخذ قرار می‌دهد.

قانون اساسی به اتکای قرآن، امتیازات قومی و نژادی و زبانی و رنگ پوست را مردود می‌شناسد و آیه ۱۳ سوره حجرات (ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌تردید گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است.) را ملاک و ماخذ اصلی می‌داند و اصول مربوط به خانواده و زن را بر مبنای آیات ۲۱ سوره روم (و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد یقیناً در این [کار شگفت‌انگیز] نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند) و ۹۷ سوره نحل (هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم؛ و پاداش آن‌ها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد.) و ۲۲۸ سوره بقره (زنان حقوقی بر گردن مردان دارند که آنها موظف به رعایت آنند، شوهران نیز با داشتن حقوقی [چون حق طلاق و رجوع در حین عده]، حقی افزون دارند و خدا بر هر چیزی توانا و داناست) تنظیم می‌کند.

منبع عمده ی حقوق اساسی برگرفته از آیات ۵۹ سوره نساء (ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید، پس اگر در چیزی کار به نزاع کشد آن را به حکم خدا و رسول بازگردانید.)، ۴۴ سوره مائده (هر کس به خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کس از کافران خواهد بود.)، ۵۴ سوره مائده، (و در تورات بر بنی اسرائیل حکم کردیم که نفس را در مقابل نفس قصاص کنید و چشم را مقابل چشم و بینی را به بینی و گوش را به گوش و دندان را به دندان، و هر زخمی را قصاص خواهد بود. پس هر گاه کسی حق قصاص را ببخشد (نیکی کرده و) کفاره (گناه) او خواهد شد و هر کس به خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کس از ستمکاران خواهد بود.) (۴۷ سوره مائده (و اهل انجیل باید به آنچه خدا در آن کتاب فرستاد حکم کنند، و هر کس به خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کس از فاسقان خواهد بود.)، ۵۷ سوره نعام (من دلیل روشنی از پروردگارم دارم و شما آن را تکذیب کرده اید! آنچه شما در باره آن (از نزول عذاب الهی) عجله دارید، به دست من نیست! حکم و فرمان، تنها از آن خداست! حق را از باطل جدا می کند، و او بهترین جدا کننده (حق از باطل) است) ۲۲۹ سوره بقره (و کسانی که از احکام خدا سرپیچند آنها به حقیقت ستمکارند) است و اصول ۷۲، ۴، ۹۱، ۱۰۵ و ۱۷۰ قانون اساسی به اتکای همین آیات تدوین شده است.

احادیث پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیه السلام) و به خصوص دستورات نهج البلاغه مقام محکمی در حقوق اساسی دارند؛ به عنوان نمونه در مورد ارتش به این فرمایش حضرت علی (علیه السلام) می رسیم که فرمودند: «فالجند باذن الله حصون الرعيه و زين الولاة و عزالدین و سبل الامن و ليس تقوم الرعيه الا مهم» (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۰) یعنی «بازوهای مستحکم ملت و کشور» (حسینی خامنه ای (مدظله)، ۱۳۸۶ ه. ش)؛ «یعنی حصار ملت - که باید مستحکم، آسیب ناپذیر و غیر قابل نفوذ باشد این مهمترین خصوصیت نیروهای مسلح است» (حسینی خامنه ای (مدظله)، ۱۳۷۵/۸/۶) در مورد حکومت می فرماید: «ان عملک ليس لك بطعمه و لکنه امانه» (دشتی، ۱۳۷۹: ۴۸۴) «یعنی این طعمه ای نیست که تو به دست آورده باشی و بخواهی از آن، لقمه ی چربی بزنی؛ این یک امانت و مسؤولیت بر دوش شماست» (حسینی خامنه ای (مدظله)، ۱۳۸۰/۶/۵)

«در نظام اسلامی، این مأموریت، طعمه نیست؛ یک مسؤولیت و یک خدمت و یک وظیفه بر گردن انسان است. امیرالمؤمنین این را تعلیم میدهد.» (حسینی خامنه ای (مدظله)، ۱۳۸۰/۹/۱۶) «الدلیل عندی عزیز حتی اخذ الحق له و القوی عندی ضعیف حتی اخذ الحق منه» (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۲۵) و در مورد حقوق انسانی داریم که: «واشعر قلبک الرحمه للرعیه والمحبه لهم واللطف بهم و لا تكونن علیهم سبعا ضاریا تغتم اکلهم فانهم صنفان اما اخ لك فی الدین و اما نظیر لك فی الخلق یفرط منهم الزلل و تعرض لهم العلل» (دشتی، ۱۳۷۹: ۳۳۵) در خصوص برابری و عدم امتیاز از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) داریم که فرمود: «ایها الناس الا ان ربکم واحد و ان اباکم واحد. الا لا فضل لعربی علی اعجمی و لا اعجمی علی عربی و لا اسود علی احمر و لا احمر علی اسود الا بالتقوی» (کراچکی، ۱۳۹۴: ۱/ ۲۱)، در خصوص اصل آزادی از حضرت علی (علیه السلام) داریم که فرمود: «لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرا» (دشتی، ۱۳۷۹: ۵۳۰)

حضرت علی (علیه السلام) در خصوص مشخصات رهبری علی (علیه السلام) می‌فرماید: «ان الله فرض علی ائمه العدل ان یقدر و انفسهم بضعفه الناس» (دستی، ۱۳۷۹: ۲۰۰) یا از امام حسین (علیه السلام) است که فرمود: «مجارى الامور بيد العلماء بالله الامنا على حلاله و حرامه». (کلینی، ۱۴۰۷.ق: ۲۳۷) و طبیعتاً ما در مقام آن نیستیم که به تمام احادیث و آیاتی که با اصول قانون اساسی ارتباط پیدا می‌کنند، پردازیم. در مقابل منابع خاص حقوق اساسی که از آنها یاد شد (قرآن و روایات)، منابع عادی‌ای هم داریم که عبارتند از: قانون اساسی، قوانین عادی، نظریات شورای نگهبان، احکام و فرامین مقام رهبری، رویدادهای قضایی، آیین نامه داخلی مجلس به نظریات مشورتی و تصمیمات مجمع تشخیص مصلحت نظام که از بحث درباره هر یک از آنها در این مقاله خودداری می‌شود.

۳- مواد قانونی اصول سیاست خارجی

براساس متن صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برگرفته از اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه و آله و سلم) است، حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را دارای کرامت و ارزش میداند و بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. لذا هیچکس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد (اصل ۵۶ قانون اساسی) اما حکومت‌های دیکتاتور که برخاسته از نفوس شیطانی متکبران ایجاد شده است، جهت پایداری سلطه‌ی خود و مغلوب نمودن ملتها، حاکمیت جهان را نه از برای خالق جهان بلکه از برای خود میدانند لذا از هر راه غیر انسانی و ظالمانه جهت سلطه بر جهان استفاده میکنند، لذا می‌بایست جهت تضمین سعادت انسان در کل جامعه بشری و حفظ استقلال و آزادی او، حکومت حق و عدل به عنوان حق تمامی بشر، تشکیل و برپا گردد (اصل ۱۵۴ قانون اساسی) که از مقدمات آن؛

۱- حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه جهان، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملتهای دیگر. (اصل ۱۵۴ قانون اساسی)

۲- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب. (اصل ۵ قانون اساسی)

۳- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی. (اصل ۳ بند ۶ قانون اساسی)

۴- نفی هرگونه ستمگری و ستم کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری به عنوان زمینه‌ای جهت تامین قسط و عدل و استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میباشد (اصل ۲ بند ۶ قسمت ج قانون اساسی)

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک حکومت اسلامی که قوانین آن برگرفته از آیات و روایات و متن دین اسلام است، همان دینی که خالق جهانیان به عنوان کامل‌ترین دین و برنامه زندگی به بشر ارائه نمود و آخرین رسول و فرستاده اش را جهت هدایت و گرایش مخلوقاتش به آن مبعوث کرد، سیاست خارجی اش را براساس معیارهای اسلامی طراحی نموده است. (اصل ۱۶ قانون اساسی) و جهت رسیدن به چهارمقدمه‌ای که برای تضمین سعادت انسان ذکر شد و جزء قوانین و اهداف حکومتش است چهارچوبهایی را رعایت می‌نماید که ذکر می‌گردد: به طور مثال، انجام هرگونه قرار دادی که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی، اقتصادی، فرهنگی، ارتش و دیگر شئون کشور میگردد ممنوع است (اصل ۱۵۳ قانون اساسی) و دولت و آحاد ملت،

وظیفه شرعی و قانونی حفظ استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور را به عنوان اصول غیر قابل تفکیک در جمهوری اسلامی ایران، دارند. (اصل ۹ قانون اساسی) لذا باید با افزایش تولیدات داخلی، نیازهای عمومی را تامین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند. (اصل ۹ قانون اساسی)

از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری استفاده کند و در پیشبرد آنها تلاش نماید. (اصل ۶ بند ب قانون اساسی) و مطلقاً هیچ امتیازی جهت تشکیل شرکتها و موسسات در امور تجاری، صنعتی، کشاورزی، معادن و خدمات به خارجیان ندهند. (اصل ۸۱ قانون اساسی) کارشناسان خارجی را به هیچ عنوان استخدام نکند مگر با تصویب مجلس شورای اسلامی. (اصل ۸۲ قانون اساسی) و به تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی پردازند. (اصل ۳ بند ۱۱ قانون اساسی) و سیاست کلی نظام را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهند و کوشش و پیگیری نمایند تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام تحقق یابد. (اصل ۱۱ قانون اساسی) در عین حال موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند البته این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی توطئه و اقدام نکنند. (اصل ۱۴ قانون اساسی) همچنین دولت جمهوری اسلامی ایران می تواند به کسانی که پناهندگی سیاسی بخواهند پناه دهد مگر اینکه بر طبق قوانین ایران خائن و تبهکار شناخته شوند. (اصل ۱۵۵ قانون اساسی)

نکته حائز اهمیت در چهارچوبهای برنامه ریزی شده ی سیاست خارجی، اهمیت به مجلس شورای اسلامی به عنوان فیلتری و ناظری بر فعالیتهای برون مرزی است، بدین صورت که عهدنامه ها، مقاله نامه ها، قراردادها و موافقت نامه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. (اصل ۷۷ قانون اساسی) چون هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید. (اصل ۸۴ قانون اساسی) و به سوگند خود در نخستین جلسه مجمع عمل نماید. وی متن قسم نامه ای را امضا نموده است که در آن با سوگند به خداوند قادر و تکیه بر شرف انسانی متعهد گشته است که پاسدار حریم اسلام و نگاهبان دستاوردهای انقلاب اسلامی، ملت ایران و مبانی جمهوری اسلامی باشد و در انجام وظایف و کالت، امانت و تقوی را رعایت نماید و همواره به استقلال و اعتدالی کشور و حفظ حقوق ملت و خدمت به مردم پایبند باشد، از قانون اساسی دفاع کند و در گفته ها و نوشته ها و اظهارنظرها، استقلال کشور و آزادی مردم و تأمین مصالح آنها را مد نظر داشته باشد. (اصل ۶۷ قانون اساسی)

در نتیجه امضای عهدنامه ها، مقاله نامه ها، موافقت نامه ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای پیمان های مربوط به اتحادیه های بین المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی با رئیس جمهور یا نماینده قانونی او انجام میگیرد. (اصل ۱۲۵ قانون اساسی)

۴- اصول سیاست خارجی برگرفته از قانون اساسی

با بررسی مواد مربوط به سیاست خارجی در قانون اساسی اصولی به شرح ذیل قابل استخراج است.

۴-۱- حمایت از حقوق مظلومان جهان در قانون اساسی

اصل حقوق بشری حمایت از مظلومان جهان، در اسلام جایگاه سترگی دارد. در نظام حقوقی اسلام، که مبنای اصلی آن وحی است و در کنار آن، عامل فطرت هم مطرح می باشد (جاوید، ۱۳۹۲: ۴۹-۸۸)

طبقه بندی حقوق تحت عنوان حقوق داخلی و بین المللی وجود ندارد. اسلام واجد نظام حقوقی واحد است که برخی از قواعد منحصر در روابط داخلی و برخی دیگر در روابط بین الملل کاربرد دارد و برخی نیز واجد هر دو جنبه می باشد. اصل حمایت از مستضعفین از جمله قواعدی است که واجد کارایی دوگانه ی داخلی و بین المللی است (جاوید، ۱۳۹۲: ۵۳)

بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آرمان نظام؛ سعادت و خوشبختی همه افراد بشر است لذا خود را موظف به حمایت از حقوق همه ی انسان ها خصوصا مسلمانان و مستضعفان جهان می داند (اصل ۱۵۴ قانون اساسی) امام خامنه ای (مدظله) در این راستا می فرماید: امیرالمومنین (علیه السلام) برای دفاع از مظلوم، شرط اسلام را نگذاشته است. (حسینی خامنه ای (مدظله)، ۱۳۸۰/۹/۱۶) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «هر کس فریاد دادخواهی هر مظلومی (اعم از مسلمان یا غیر مسلمان) را بشنود که مسلمانان را به یاری می طلبد، اما به کمک او نشتابد، مسلمان نیست.» (کلینی، ۱۳۸۷: ۱۶۴/۲) در این زمینه اصل ۱۴ و ۱۵۴ قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان را موظف میکند که در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملتهای دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت کنند.

دو اصل ۱۵۲ و ۱۵۴ قانون اساسی، تجلی گفتمان مظلوم محور انقلاب اسلامی هستند. در این گفتمان سوژه ها ارزش خود را براساس تعلق به یکی از دو قطب ظالم یا مظلوم بودن دریافت می کنند. این گفتمان، تخصیص منابع به حمایت از مظلوم را مشروعیت می بخشد و سیاست گذاران محاط در این گفتمان، تمام هم و غم و منابع خود را به حمایت از مظلوم در برابر ظالم اختصاص می دهند (مشیرزاده و مصباح، ۱۳۹۰: ۲۵۴)

نکته قابل توجه این است که نظام اسلامی و احکام اسلامی غیر از حمایت و دفاع از مسلمین در مقابل مستکبرین جهان، دفاع از مظلومین غیر مسلمان را نیز جزء وظایف خود می داند و در راه رفع ظلم، «کمر به دفاع از مظلومین در همه ی دنیا بسته است. به خاطر همین دیدگاه است که امروز استکبار، علیه نظام جمهوری اسلامی توطئه می کند.» (حسینی خامنه ای (مدظله)، ۱۳۷۵/۶/۲۸)

۴-۱-۱- حمایت از مسلمانان جهان

بر اساس اصل ۱۱ و بند ۱۶ اصل ۳ همچنین اصل ۱۵۲ قانون اساسی، دولت اسلامی چه از نظر وظیفه اعتقادی چه از نظر حفظ منافع و موجودیت خود همچنین بر اساس نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور و عدم تعهد در برابر قدرت های سلطه گر، لازم است از منافع و سرزمین های مسلمانان دفاع کند، زیرا صرف نظر از مسائل داخلی دنیای اسلام، تضعیف هر جزء از جامعه ی اسلامی و از دست رفتن آن، لطمه ی سنگین و جبران ناپذیر به سایر اجزای آن می باشد. (منصوری، ۱۳۶۵: ۱۱۵)

امام خمینی (ره) میفرماید: دفاع از مملکت اسلامی، دفاع از نوامیس مسلمین از واجبات شرعی الهیه ای است که بر همه ما واجب است. (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۱۸۲) همچنین امام خامنه ای (مدظله) می فرماید: ما قصد سیطره‌ی بر دنیا نداریم؛ ما قصد ردّ ظلم نظامهای مستکبر - که به ملت‌های مسلمان زور میگویند - و قصد رفع این ظلم را داریم. (حسینی خامنه ای (مدظله)، ۱۳۹۳/۶/۱۶)

۴-۲- اصل صلح جهانی

صلح در روابط بین‌الملل به معنای وجود حالت آرامش در روابط عادی میان کشورها و فقدان جنگ و تهدید و ناامنی است. روابط صلح‌آمیز در صورتی است که حق حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و استقلال و آزادی و برابری حقوقی یک کشور از جانب کشورهای دیگر مورد تهدید قرار نگیرد. (نیکزاد، ۱۳۸۳: ۳۰) در اصل ۱۴ قانون اساسی آمده است: «به حکم آیه شریفه: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُواكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُواكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه ۸/۱) دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند.» (تاجانی، ۱۳۸۷: ۱۸). بر این اساس به شرح کوتاهی از اصل مذکور و مفهوم عبارت "افراد غیر مسلمان" که در آن مطرح شده است میپردازیم؛ قانونگذار اساسی در اصول ۱۳ و ۱۴، برخلاف تقسیم بندی های مرسوم کتاب های فقهی، غیر مسلمانان را به دو دسته ی اهل کتاب (موضوع اصل ۱۳) و غیر اهل کتاب تقسیم می کند. به طور کلی غیر اهل کتاب به غیر مسلمانانی اطلاق می شود که به هیچ یک از ادیان و فرستادگان الهی ایمان ندارند و معبودهایی غیر از خداوند متعال همانند خورشید، ماه، ستاره، بت و... را عبادت می کنند. غیر اهل کتاب نیز به دو دسته ی غیر مسلمان بی طرف (موضوع صدر اصل ۱۴) و غیر مسلمانان حربی (موضوع ذیل اصل ۱۴) تقسیم می شوند. غیر اهل کتاب غیر حربی یا غیر مسلمانان بی طرف، آن گروه از غیر مسلمانانی هستند که نه جزء کفار ذمی و معاهد محسوب می شوند و نه حربی به شمار می آیند. آنان با وجود اعتقاد نداشتن به آموزه های اسلامی و قرار نگرفتن در زمره ی اهل کتاب (همانند مسیحیان، زرتشتیان و کلیمیان)، نسبت به مسلمانان در بی طرفی کامل به سر می برند و به کفار حربی آن دسته از غیر مسلمانانی هستند که در حال نبرد، توطئه و ستیز با حکومت اسلامی اند (کعبی، ۱۳۹۵: ۳۲) و موجودیت کشور اسلامی را به رسمیت نمی شناسند و به اصل عدم مداخله در کشورهای دیگر اعتنایی ندارند. (نیکزاد، ۱۳۸۳: ۳۶)

شایان ذکر است که اصل ۱۴ قانون اساسی ناشی از حکم ولایی حاکم اسلامی است که در قانون اساسی نظام برآمده از شریعت اسلام وضع شده و پس از آن نیز به تایید ولی فقیه رسیده است (کعبی، ۱۳۹۵: ۳۲)

همانطور که قبلاً ذکر شد از منابع اصلی حقوقی قانون اساسی کتاب و سنت است لذا ریشه ی اصل ۱۴ قانون اساسی و توجه به صلح جهانی را در آیاتی مانند ۲۰۴ سوره بقره و ۹ سوره حجرات مشاهده میکنیم قرآن کریم به پیروان خود دستور می دهد که همگی در حوزه سلم و صلح وارد شوند همچنین در آیه ۱۲۸ سوره نساء صلح را یک اقدام برتر فرا راه روابط فردی و اجتماعی

بشر قرار داده است. اسلام، فکر هم‌زیستی مسالمت آمیز میان پیروان ادیان الهی را به صورت اعلامیه جهانی مطرح می‌سازد و با وجه مشترک قرار دادن «کلمه حق و اعتقاد به خدای یکتا و نفی شرک» همگان را به یک ائتلاف و اتحاد جهانی دعوت می‌نماید (آل عمران / ۶۴)

علاوه بر آیاتی که مطرح شد روایات و سیره عملی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در انعقاد پیمان‌های صلح و عدم تعرض به همدیگر، با گروه‌های مختلف اهل کتاب و مشرکان، حکایت از صلح‌طلبی اسلام و ضرورت هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و کوشش آیین اسلام به نزدیک سازی قلوب انسان‌ها می‌باشد. (سبحانی، ۵۹۹: ۱۳۶۲-۵۹۷)

نکته ی مهم آنست که با وجود مبنا قرار گرفتن صلح در اسلام، ضرورت‌های جنگی از دیدگاه شارع مقدس اسلام دور نمانده است. در اسلام جنگ برای مقابله با ظالمان و ستمگران و کسانی که مؤمنان را از دیار خود اخراج می‌کنند و به انحای مختلف قصد محو نام خدا و جلوگیری از بیداری افکار و هدایت دل‌ها را دارند و نیز مبارزه در راه خدا و احقاق حقوق مستضعفان و محرومان حق طلب و رهایی آنها از زیر ظلم و نظایر آن، به عنوان یک فریضه الهی مورد تأکید قرار گرفته است. (حج / ۴۰-۳۹؛ نساء / ۷۵؛ توبه ۲۹، ۳۶؛ بقره / ۱۹۰ و ر.ک: مطهری، ۱۳۹۳: ۹۷۸.ش)

۳-۳- اصل عدم سلطه پذیری در قانون اساسی

یکی از اصول بسیار مهم سیاست جمهوری اسلامی ایران، حفظ استقلال و نفی سلطه‌پذیری و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه است (اصل ۱۵۳- بند ۵) که از آرمان‌های اصلی مردم ایران در انقلاب اسلامی و نشأت گرفته از دیدگاه اسلامی حضرت امام خمینی رحمه الله علیه بوده است.

قابل توجه است که بر این اصل مهم در قانون اساسی تأکیدات فراوانی با تعبیرات مختلف شده است مانند جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور در بند ۸ اصل ۴۳ برای تأمین استقلال جامعه همچنین طرد کامل و جلوگیری از نفوذ استعمار در بند ۵ اصل ۵، تقویت همه جانبه ی بنیه دفاع ملی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور در بند ۶ اصل ۵، نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در بند ج اصل ۲، ممنوعیت هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد در اصل ۱۵۳.

باید دقت شود که وظیفه ی جمهوری اسلامی ایران، تنها سد راه نفوذ و سلطه ی قدرتهای سلطه گر نیست، بلکه فراتر از آن، مکلف به مبارزه با استکبار و نظام سلطه نیز می‌باشد همانطور که امام خمینی (ره) انقلاب اسلامی ایران را یکی از نمودهای بارز مبارزه حق‌گویان با مستکبرین می‌دانستند. (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۸۰: ۷۲) همچنین تصریح نمودند: «این واقعیت و حقیقت را در سیاست خارجی و بین الملل اسلامی مان، بارها اعلام نموده ایم که در صدد گسترش نفوذ اسلام در جهان و کم کردن سلطه ی جهانخواهران بوده و هستیم» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۹: ۸۱/۲۱) امام خامنه ای (مدظله) نیز سلطه ستیزی را شاخص سیاست خارجی جمهوری اسلامی معرفی می‌نمایند: «رفتار نظام سلطه را به هیچ وجه قبول نمی‌کنیم... در هیچ موضوعی زیر بار سلطه

نمی‌رویم و شاخص دیپلماسی خود را مقابل با رفتار جهانی نظام سلطه و خروج از قاعده سلطه گر سلطه پذیر می‌دانیم. «(حسینی خامنه‌ای (مدظله)، ۱۳۸۶/۵/۳۰)

قانون اساسی صراحتاً هر دو وجه اصل و قاعده‌ی کلی نفی سلطه را که عدم وابستگی به نظام سلطه و عدم تعهد نسبت به قدرتهای سلطه‌گر است را در اصل ۱۵۲ بیان کرده است؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمحراب استوار است. خداوند با طرح این قانون کلی در دین اسلام، تمام زمینه‌ها و راههای نفوذ و تسلط کفار بر مسلمانان را مسدود کرده، به گونه‌ای که کفار در هیچ زمینه‌ای شرعاً و قانوناً نباید بر مسلمانان مسلط باشند (اصل ۸۲- اصل ۱۲۱- اصل ۷۷- اصل ۱۴۳- اصل ۱۴۵- اصل ۱۴۶- اصل ۱۵۱- اصل ۱۵۳) در واقع این قاعده (که می‌توان آن را حق و تو نامید) در تمام ابعاد روابط جهان اسلام با کفار جاری می‌شود، به گونه‌ای که تمام معاهده‌ها و قراردادهای باید در چهارچوب این قاعده انجام گیرد و عزت و حکمت و مصلحت دینی که درون این قاعده نهفته است، ملاک و معیار تحقق قراردادها و معاهدات باشد.

۳- ۴- اصل اهمیت وفای به پیمان در قانون اساسی

وفای به عهد و پیمان از اصول مسلم سیاست بین‌المللی اسلام و مورد تأکید در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است که از اصول ۱۵۲- ۱۵۳- ۱۵۴- ۱۵۱ میتوان برداشت کرد و در ماده ۲۶۵ قانون مدنی به عنوان یکی از اسباب سقوط تعهدات یاد شده است ضمن آنکه به عنوان اصل اساسی حقوق بین‌الملل شمرده می‌شود (ماده ۲۶ کنوانسیون حقوق معاهدات، مصوب ۱۹۶۹ میلادی) و بدون التزام طرفین به آن، هیچ معاهده‌ای امکان اجراء نخواهد داشت (سرمدی، ۱۳۹۷: ۴)

همچنین عُقلاء نیز زیر بار کاری که تضمینی در اجرایش نباشد نمی‌روند زیرا امنیت زندگی خود را در پناه وفای به عهد طرف مقابل می‌بینند و خود نیز از پیمان شکنی دوری میکنند. از طرفی فطری بودن وفای به عهد سبب می‌شود تا از این قاعده به عنوان یکی از احکام و قواعد شرعی یاد شود که با تکامل بشر در قوانین موضوعیه کشورها راه یافته است (احمدی طباطبایی و آرام، ۱۳۹۳: ۸۶)

با رجوع به قرآن کریم، متوجه میشویم که نقض پیمان عواقب شومی را دربردارد. (توبه/۱۲- انفال/ ۷۲) چنانچه امام خامنه‌ای (مدظله) در ارتباط با نقض عهدها و رفتارهای خصمانه آمریکا میفرماید: با دولتی که معاهدات بین‌المللی را به راحتی و همانند آب خوردن نقض می‌کند نمی‌توان تعامل کرد. تجربه‌ی برجام، جواب آن کسانی است که بارها می‌گفتند چرا با آمریکا مذاکره و تعامل نمی‌کنید. بنابراین همه باید از این تجربه درس بیاموزند و بدانند که نمی‌توان با چنین دولتی تعامل و مذاکره کرد. تجربه‌ی بدعهدی آمریکا فقط مختص ایران نیست بلکه آمریکا حتی با افراد تسلیم و نوکر خود همچون محمدرضا پهلوی و حسنی مبارک نیز چنین رفتاری داشته و دارد. (حسینی خامنه‌ای (مدظله)، ۱۳۹۷/۰۳/۲)

از این دست تجربه های تلخ، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به سوابق اعطای امتیازها و قراردادهایی می رسیم که رهاورد آن ها تاراج منابع و منافع ملی بود و ذهنیت و افکار عمومی ملت ایران را چنان مکدر و بر آشفته ساخته تا پس از انقلاب اسلامی، مقررات متعددی وضع نمایند تا مانع از تکرار چنین وقایعی گردد از جمله تدوین اصل ۷۷ قانون اساسی (اصل ۷۷ قانون اساسی مقرر می دارد: عهدنامه ها، مقاله نامه ها، قراردادها و موافقت نامه های بین المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.)

همچنین برای رفع نگرانی و سد راه قراردادهای ننگین و مضر برای منافع ملی، در جای جای قانون اساسی تلاش شده تا روزه ی نفوذ اجانب مسدود شود که در این راستا واگذاری امتیاز به بیگانگان ممنوع گردیده (اصل ۸۱)؛ صلح و داوری اموال عمومی و دولتی در مواردی که طرف آن خارجی است منوط به تصویب مجلس گردیده است (اصل ۱۳۹)؛ و به طور کلی، انعقاد هرگونه قرار دادی که موجب سلطه ی بیگانه گردد ممنوع قلمداد شده است (اصل ۱۵۳)، حال آنکه در فقدان چنین اصولی، تفسیر مضیق اصل ۷۷ نمی توانست با تفسیری غایت گرا همخوانی داشته باشد.

به هر تقدیر، دولت و رای نظارت مجلس، مأخوذ و ملزم به رعایت محدودیت ها و چارچوب های مقرر در قانون اساسی است و اصل ۱۵۳ و اصول اساسی دیگر (از جمله اصل ۱۵۲)، نقشه ی راه و اصول راهنمای دولت در سیاستگذاری و پیگیری روابط بین الملل می باشند. بنابراین، خروج برخی قراردادها از شمول اصول ۷۷ و ۱۲۵ به دولت صلاحیتی بی قید و شرط اعطا نمی کند.

بنابراین توجه به معیار ((بین المللی)) بودن قرارداد، می تواند راهگشای خلأها و جوابگوی مقتضیات اجرایی باشد. بدین صورت که ویژگی بین المللی، تابع انعقاد قرارداد از جانب تابعان حقوق بین الملل و تعهدآوری آن بر اساس حقوق بین الملل دانسته شود. قانونگذار اساسی پس از انقلاب اسلامی، با توجه به قراردادهای استثماری و نابرابر و امتیازات ناعادلانه ای که در گذشته بر ملت ایران تحمیل شده بود، اصل فوق را در چند اصل، تفصیل و در عین حال، تعدیل نمود؛ در اصل ۱۵۳ (هرگونه قرارداد که موجب سلطه ی بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع دانسته شده و از آنجا که چنین قراردادهایی غالباً در قراردادهای باطرف خارجی به شکل امتیاز (قرارداد خارجی) یا معاهده (قرارداد بین المللی) صورت می پذیرفته است، این دو مورد در اصول ۸۱ (اصل هشتاد و یکم قانون اساسی مقرر می دارد: دادن امتیاز تشکیل شرکت ها و موسسات در امور تجاری و صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجیان، مطلقاً ممنوع است.) و ۷۷ قانون اساسی، به ترتیب، مطلقاً ممنوع و مشروط به تصویب مجلس شده است. بنابراین دغدغه ی صیانت از منافع ملی در قراردادهای می بایست با نگرشی جامع به کل قانون اساسی همراه شود تا این مهم به اصلی خاص فرو کاسته نشود.

در این راستا به فرمایشی از امام خمینی (ره) اشاره می کنیم که فرمودند: ما کلیه قراردادهایی را که بر خلاف مصلحت ملتمان باشد برایشان ارزش قائل نیستیم و اگر قراردادی باشد که انصاف داشته باشد و برای ما فائده ای داشته باشد، آن قرارداد را تصویب می کنیم... هر کس می داند این قراردادها را که بسته اند، نفت ما را گرفته و در ازای آن اسلحه هایی که به هیچ وجه به درد ما نمی خورد داده اند. این نوع قراردادهای مضرند برای ملت ما. قرارداد مفید این است که قرارداد می بندند، چیزهایی که برای ایران مفید است که بدهند، چیزهایی که برای زراعت و صنعت ایران مفید است بدهند. آن چیزهایی که اصلاً فائده ای برای ایران ندارد، این ها قراردادهای غیر مفید هستند. (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۱۴۶ و ۱۵۰)

امام خمینی (ره) بر ضرورت رعایت قواعد و مقررات بین المللی مصوب سازمان ها و نهادهای بین المللی، در صورتی که منجر به صلح و عدالت در عرصه جهانی گردد، تأکید داشتند و معتقد بودند. البته مشروعیت و مقبولیت چنین قراردادهایی را منوط به رعایت عدالت و عدم تبعیض، پای بندی به مفاد آن توسط سایر کشورها و عدم پیمان شکنی از سوی آنان و مطابقت این قراردادها با سایر قراردادها، مقررات و عرف بین المللی می دانستند. از این رو کشورهایی که اقدام به جاسوسی، خراب کاری، خیانت، نقض نظم عمومی، نقشه کشی برای براندازی یا واژگون سازی مملکت اسلامی و یا استفاده ابزار انگارانه از سازمان های بین المللی کنند، نمی توانند با استناد به قوانین بین المللی یک جانبه، معامله به مثل حکومت اسلامی را مورد سرزنش قرار دهند. (دهشیری، ۱۳۷۸: ۸۷)

۳-۵- وجوب رعایت اصول قانون اساسی توسط مسئولین، در تمامی امور داخلی و خارجی

عمل به احکام اسلامی و قوانین برگرفته از دستورات الهی، از واجبات شرعی است و توصیه موکد معمار کبیر انقلاب، به همه افراد موثر در نظام، به ویژه نمایندگان ملت که بر اساس آراء مردم انتخاب شده اند، بر عملکرد منطبق با اسلام و قوانین مبتنی بر احکام اسلامی را در فرمایشات ایشان به وضوح میتوان دید؛ «نمایندگانی که بر این اساس (آراء مردم) انتخاب شده باشند، و کالت آنها محدود به جمهوری اسلامی است و اظهار و رسیدگی به پیشنهادهای مخالف با اسلام یا مخالف با نظام جمهوری، خروج از و کالت آنهاست» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ه.ش) ایشان جایگاه افرادی را که به مخالفت از قانون اساسی میپردازند را جایگاه مخالفین با اسلام میدانند (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۴۱۲/۱۴)

همچنین میفرمایند: «کسانی که با مصوبات مجلس بعد از اینکه شورای نگهبان نظر خودش را داد باز مخالفت می کنند، اینها دانسته یا ندانسته با اسلام مخالفت می کنند. اگر همه اشخاصی که در کشورمان هستند و همه گروههایی که در کشور هستند و همه نهادهایی که در سرتاسر کشور هستند به قانون خاضع بشویم و قانون را محترم بشمریم، هیچ اختلافی پیش نخواهد آمد. اختلافات از راه قانون شکنیها پیش می آید. اگر قانون حکومت کند در یک کشوری [اختلافی دیگر نخواهد بود]». (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ه.ش) ایشان هدف اسلام و آمدن تمام انبیاء از صدر عالم تا کنون را برقرار نمودن قانون، معرفی می کنند (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۴۱۴/۱۴)

حضرت امام خمینی (ره) میفرمایند: «پیغمبر اسلام و ائمه اسلام و خلفای اسلام تمام برای قانون خاضع بوده اند و تسلیم قانون بوده اند. ما هم باید تبعیت از پیغمبر اسلام بکنیم و از ائمه هدی بکنیم و به قانون هم عمل کنیم و هم خاضع باشیم در مقابل قانون. قانون برای همه است» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۴۱۴/۱۴ - ۴۱۵)

«در اسلام همه کس حتی پیامبر عظیم الشان - صلی الله علیه و آله و سلم - در مقابل قانون، بی امتیاز در یک صف هستند.» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۲۲۱/۱۴) لذا تمام مردم و تک به تک مسئولین نظام اسلامی میبایست در تمامی امور محوله، ملزم به رعایت قوانین اسلامی باشند و در برقراری ارتباط با سایر کشورها نیز مصالح و قوانین نظام اسلامی را که منتج به عدالت جهانی میشود در نظر بگیرند، اگر بنا باشد نمایندگان نظام اسلامی در معادلات و مناسبات جهانی، براساس منافع و چهارچوبهای عده ای

دیکتاتور که دنیا را برای خود و همفکرانشان می‌خواهند عمل کنند و در برابر زورگوییها و دخالت‌های مستمر آنها در امور داخلی کشورها نایستند و سر تعظیم فرود آورند، ظلم و ناآرامی و جنگ و خونریزی بر جهان چیره میشود زیرا منفعت طلبی دیکتاتور مآبان جهانی، حدّ یَقِف ندارد و این دقیقاً مخالف هدف اسلام و تمام انبیاء جهت برقراری عدالت جهانی و نجات مظلومین تحت پنجه ی ظلم خونخواران عالم است. لذا در موقعیتهای دیپلماتیک امور بین الملل «رعایت قانون و مصوبات مجلس توسط مسئولین در تمامی امور من جمله سیاست خارجی، واجب است؛ سیاست خارجی ایران با همه دُول بر حسب احترام متقابل است و هیچ فرقی بین دُول در این باره نیست» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۴۶۷/۵)

«سیاست خارجی کشور همان سیاست خارجی نظام در قانون اساسی است، این سیاست خارجی متخذ از اسلام و منبعث از اهداف و آرمان‌های انقلاب است و مسئولان وزارت خارجه و سفرا و کارداران در حقیقت «نمایندگان، سربازان و خدمتگزاران این اصول و آرمان‌ها» هستند.... سیاست خارجی کشور مانند همه‌ی کشورهای جهان بر منافع بلند مدت و اصول و ارزش‌ها استوار است و با رفت و آمد دولت‌ها با سلاطین سیاسی گوناگون، تغییر نمی‌کند؛ دولت‌ها فقط در تاکتیک‌ها و ابتکارات اجرایی راهبردهای سیاست خارجی تأثیر گذار و دخیلند.... همه‌ی تاکتیک‌های دیپلماسی در دولت‌های مختلف باید در خدمت پیشبرد اصول سیاست خارجی در قانون اساسی باشد و نمایندگان سیاسی ایران در خارج، خود را نماینده و مدافع جدی و منطقی سیاست‌های نظام بدانند». (حسینی خامنه‌ای (مدظله)، ۱۰/۰۸/۱۳۹۴) «ما خواهان قطع وابستگی‌های ایران به دُول خارجی هستیم و اگر کشورها و دولت‌ها بخواهند به ما تحمیلی بکنند از آنها قبول نخواهیم کرد. نه ظلم به دیگران می‌کنیم و نه زیر بار ظلم دیگران می‌رویم». (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۳۳۸/۴)

در این راستا، حضرت امام خمینی (ره) خطاب به عناصر وابسته به خارج میفرماید: «در کشوری که قانون حکومت نکند، خصوصاً قانونی که قانون اسلام است، این کشور را نمی‌توانیم اسلامی حساب کنیم» (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۴۱۴/۱۴-۴۱۳) «...البته دزدها از قانون بدشان می‌آید و دیکتاتورها هم از قانون بدشان می‌آید و کسانی که مخالفت‌ها می‌خواهند بکنند از قانون بدشان می‌آید، لکن قانونی که مال همه ملت است و برای تهنیت همه ملت است و برای آرامش خاطر همه ملت است و برای مصالح همه ملت است، باید محترم شمرده بشود». (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۴۱۴/۱۴) «ماهیت جمهوری اسلامی این است که با شرایطی که اسلام برای حکومت قرار داده است، با اتکا به آرای عمومی ملت، حکومت تشکیل شود و مجری احکام اسلام باشد». (موسوی خمینی (ره)، ۱۳۷۸: ۵۰۱/۳)

احکام و قوانین الهی به جای پریشانیها، آرامش، به جای بی‌نظمیها نظم، و به جای توحش و خونریزیها، الفت و برادری را به ارمغان آورد. این کارکرد دین در هر زمانی قابل تکرار است. هر جامعه‌ای بخواهد براساس قواعد و ضوابط دین راه سعادت را بیابد، در هر زمان و مکانی امکان‌پذیر، و بلکه یگانه راه است. مجموعه دستورات الهی غیرقابل تفکیک از یکدیگرند. پشت سرانداختن «حدودالله» (بقره / ۲۳۰-۲۲۹) برهم زدن نظم ایجاد شده را در پی دارد؛ چه، قانون‌شکنی و عدم اجرای آن، برابر با عدم قانون است. همانطور که قرآن، زمانی بر بشر عرضه شد که مردم در بی‌نظمی، و تشّت و افتراق بودند در جهان حاضر هم که قوانین بین‌المللی غربی یا به تعبیری دیگری قوانین غیر دینی بر آن حاکم است و قلدرمآبان در معاملات، قراردادهای و حتی

زندگی عادی بشر، در حال سودجویی و چپاول سرمایه های مادی، علمی و غیره میباشند، قوانینی باید حاکم باشد که برگرفته از قرآن و روایات باشد و بشر را از وضع فعلی در سطح بین الملل نجات دهد، وضع جوامع تحت سلطه ی قوانین فعلی بین المللی همانند جوامع در زمان نزول قرآن و دورافتاده از تعالیم صحیح آسمانی است (آل عمران ۱۰۳) که از آن جمله خصوصیات آن؛ شرک، انکار معاد، حکومت خرافات، (اعراف/ ۱۵۷) فساد اخلاق، (بقره/ ۲۱۹؛ نساء/ ۱۶-۱۵؛ نور/ ۳-۲) بهره کشی ظالمانه، (بقره/ ۲۷۹-۲۷۸) اطاعت از شیطان، تحیر، جهل، سرگردانی و گمراهی بود (دشتی، ۱۳۷۹: ۳۱۱). در برابر همه این دردها، رنجها و لجام گسیختگی ها، قرآن آمد، و سرنوشت آن جامعه را تغییر داد. (اسراء/ ۸۲ - یونس/ ۵۷)

بر اساس آنچه ذکر شد، مسئولین جمهوری اسلامی ایران که به نمایندگی کشورمان به پای مذاکرات، معاملات، رایزنی و حتی حضور و عضویت در مجموعه های بین المللی می روند میبایست در چهارچوب قانون اساسی که برگرفته از اسلام و دستورات الهی میباشد عمل نموده و پا را فراتر از خطوط قرمز اسلامی نگذارند زیرا اندکی عقب نشینی از اصول، برابر است با عاقبت نابسامان امنیتی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کشورهاییکه در طول تاریخ، مایه عبرت شده اند چرا که قوانین به اصطلاح مترقی و حاکم در جهان از آنجا که برگرفته از قرآن و روایات نیست دارای ضمانت اجرایی صحیح و کارآمد نیز نیست و نبود آن یکسان خواهد بود. از آنجا که در قوانین بین المللی، عدل و انصاف برای تمام اقشار انسان رعایت نمیشود، چه بسا که آگاهانه قانون زیر پا گذاشته شده و تأمین خواست فرد یا گروه خاص و مستکبر و زورگو، بر تأمین خواست سایر جامعه مقدم می گردد. اما قوانین الهی، به هر مقدار که به دست زمینیان اجرا شده، توانسته است تا شعاع عمل به آن، موانع تکامل بشر را بردارد و راه رسیدن به کمال را فراهم نماید. ضمانت اجرایی آن نیز در درون خود انسانهاست. مؤمن، نه تنها به «پلیس» برای اجرای دستورات شرعی نیاز ندارد، که خود، دیگران را به انجام نیکیها امر می کند و از بدیها بازمی دارد. همانطور که در کشورمان ایران مشاهده میکنیم بیش از سایر کشورها نیکی و مقابله با بدی رواج دارد زیرا ضمانتهای اجرایی و راههای گسترش قوانین الهی در جامعه ما وجود دارد از جمله ایمان به خدا به معنای تصدیق قلبی، اقرار زبانی و عمل به جوارح، که مهمترین سرمایه معنوی بشر است و ایمان، یگانه راه رستگاری است (صف ۱۱-۱۰) و بدون این سرمایه، هر چیز دیگری مایه زیان خواهد بود (عصر/ ۱) و البته به کار بردن درست سرمایه ی ایمان، نیاز به مهارت دارد. هر چه مهارت صاحب آن بیشتر باشد، بهره وری افزونتر خواهد شد. حالت سلامت و صحت این سرمایه جاودان آن است که این عنصر ذهنی، بلافاصله در خارج، در ساختار عمل صالح خود را بنمایاند. ایمان درختی است که چنین ثمری دارد و هر جا این گل نشکفتد، از پژمردگی درخت خبر می دهد. (ر.ک: مطهری، ۱۳۹۶: ۲۱۸)

لذا مسئولین جمهوری اسلامی ایران میبایست به دنبال اجرای قوانینی باشند که به پشتوانه ی اسلام واحکام الهی تصویب شده است و دارای ضمانت اجرا می باشد که منتج به ایجاد عدالت و امنیت در جهان میگردد. زیرا نتایج اجرای قوانین حاکم در غرب و غالب بر قراردادهای و حتی روابط عادی مردمانشان، حامل افراط در دو ویژگی تکاثر و افزون طلبی و ویژگی حب نفس یا خویشتن دوستی است که منشأ طغیان، انحراف، استکبار و زمینه بهره کشی بی رویه از دیگران را فراهم می آورند که تأثیر نامطلوب این دو ویژگی در طول تاریخ حیات اجتماعی بشر، در پدید آوردن استعمارها و جنایات بی شماری که بر هممنوعان خود

روا داشته، آشکار است (بویژه که انسان، دارای زندگی اجتماعی و به اصطلاح «مدنی بالطبع» (طباطبائی، ۱۴۱۷.ق: ۱۱۷) بوده و هر کس می‌خواهد سهم بیشتری از امکانات و مواهب داشته باشد و این امر، در غیاب یک قانون دادگر به تنازع خشونت آمیز منجر می‌شود، و با غلبه کسی که زورمندتر است پایان می‌پذیرد)

با فقدان نظام فکری و جریان مطلوب داوری، افزون‌طلبان احساس امنیت نموده و به سوءاستفاده خواهند پرداخت. و در نتیجه رشته‌های حیات فکری و روند حرکت مطلوب اجتماعی از هم گسسته می‌شود. اینجاست که به لزوم وجود قانون واقعی و مطابق با نیازهای بشر برای کنترل فزون‌طلبی و برگرداندن پیش‌تاختگان، به پشت مرزهای مجاز پی می‌بریم. البته نقش چنین قانون سالمی (اسلامی)، تنها در بازدارندگی خلاصه نمی‌شود بلکه جهانی سالم پدید می‌آید تا با برآورده شدن منطقی نیازها، انسان سیر تعالی و صعود را طی کند، همچنانکه با نبود آن، راه سقوط و انحطاط را می‌پیماید.

نتیجه:

اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چهارچوبی مدون و مندرج در قانون اساسی این کشور است که برگرفته از آموزه‌های شرعی می‌باشد و با مقبولیت بی‌نظیر مردمی از آن به تصویب رسیده است. هر یک از اصول و قواعد سیاست خارجی از جمله نفی سیل، صلح، پابندی به تعهدات بین‌المللی و.... دارای پشتوانه‌ی قرآنی و روایی و با هدف ایجاد زمینه برپایی عدالت جهانی می‌باشد به طور مثال طبق اصل ۲ بند ۶ قسمت ج قانون اساسی، مسئولین می‌بایست در تعاملات و روابط بین‌المللی مقابل سلطه‌گری و دخالت‌های مستمر دیکتاتورهای مستکبر جهانی در امور داخلی جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها ایستادگی نموده و سرتعظیم فرود نیاورند و همچنین بر اساس اصل ۱۵۴ قانون اساسی با حمایت از مستضعفین جهان و مبارزات حق‌طلبانه و آزادیخواهانه‌ی آنها، از استمرار ظلم، ناآرامی، جنگ و خونریزی در جهان ممانعت نمایند و همانطور که در اصل ۳ بند ۶ قانون اساسی و اصل ۵ آمده است به‌طور کامل استعمار و محو هرگونه استبداد و انحصار طلبی پردازند و حقوق انسانی تمام بشر اعم از مسلمان و غیر مسلمان که قصد حرب علیه اسلام ندارند را بر اساس اصل ۱۴ قانون اساسی رعایت کند تا انسان به جایگاه سرشار از کرامت و ارزش خود برگردد و طبق اصل ۵۶ قانون اساسی نگذارد که

مستکبرین، جایگاه الهی حاکمیت مطلق بر جهان را به خدمت منافع مادی و نفسانی خود بگیرند و آزادی و استقلال بشریت را که خلیفه ی خدا بر روی زمین است از او سلب نمایند.

موارد مذکور خلاصه ای از نتایج استخراج مواد قانونی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از قانون اساسی میباشد که در صورت اجرای آن توسط دولت‌مردان جمهوری اسلامی ایران در روابط بین‌المللی با سایر کشورها، تعاملاتی عزتمندانه و عدالتخواهانه را برای ملت خود و سایر ملتها را رقم خواهد زد. ان شاء الله و از آنجا که مواد مصوب قانون اساسی برگرفته از دستورات الهی است، مخالفت با قانون اساسی و اجرای هر یک از مواد قانونی، همانطور که بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران فرمودند مخالفت با اسلام است، لذا دولت اسلامی باید در مناسبات جهانی عملکرد منطبق با اسلام و قانون اساسی برگرفته از اسلام و قوانین اسلامی داشته باشد

فهرست منابع

۱- کتب

قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد (۱۴۰۵.ه.ق)، *لسان العرب*، قم: نشر ادب حوزه
۲. آشوری، داریوش (۱۳۹۶)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: مروارید.
۳. تاجانی، بهرام (۱۳۸۷)، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با آخرین اصلاحات*، تهران: اندیشه عصر.
۴. حر عاملی، محمد (۱۴۱۶.ه.ق)، *وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة*، قم: موسسه آل‌البیت (ع) لإحياء التراث.
۵. دشتی، محمد (۱۳۷۹)، *ترجمه نهج البلاغه*، قم: انتشارات مشهور.
۶. دهشیری، محمدرضا (۱۳۷۸)، *اصول و مبانی دیپلماسی اسلامی*، چ ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۷. سبحانی، جعفر (۱۳۶۲)، *مبانی حکومت اسلامی*، تهران: انتشارات توحید.
۸. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۴۱۷.ه.ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۴۲۱.ه.ق)، *فقه سیاسی*، تهران: امیرکبیر.
۱۰. فراهیدی، خلیل (۱۳۸۳)، *کتاب العین*، قم: موسسه دارالهجره.
۱۱. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۰)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم استانی دانشگاه‌ها.
۱۲. کعبی، عباس (۱۳۹۵)، *تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
۱۳. کلینی، محمد (۱۳۸۷)، *اصول کافی*، تهران: جهان آرا.
۱۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.
۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۹۵)، *بیست گفتار*، تهران: انتشارات صدرا.
۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۶۳)، *کتاب جهاد*، تهران: انتشارات صدرا.
۱۷. معین، محمد (۱۳۸۳)، *فرهنگ فارسی*، تهران: انتشارات ساحل.

۱۸. منصوری، جواد (۱۳۶۵)، **نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۹. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹)، **صحیفه نور**، تهران: انتشارات طبع و نشر.
۲۰. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۰)، **استضعاف و استکبار از دیدگاه امام خمینی (ره)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲۱. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، **صحیفه امام خمینی (ره)**، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

۲- مقالات

۱. احمدی طباطبایی، محمدرضا؛ آرام، محمد رضا (۱۳۹۳)، «اصل وفای به تعهدات و قراردادهای، مقایسه حقوق بین الملل اسلامی و حقوق بین الملل معاصر»، **اندیشه های حقوق عمومی**، شماره اول پیاپی ۶، ص ۸۳-۹۶.
۲. جاوید، محمدجواد (۱۳۹۲)، «نسبت اصل عدم مداخله در حقوق بین الملل معاصر و اصل حمایت از مستضعفین در حقوق اسلامی»، **نشریه مطالعات حقوقی (علوم اجتماعی و انسانی شیراز)**، شماره ۱، صص ۸۸-۴۹.
۳. شبان‌نیا، قاسم (۱۳۸۵)، «واژه شناسی فقه در روابط بین الملل»، **نشریه معرفت موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)**، شماره ۱۰۲، صص ۴۷-۵۰.
۴. عباسی سرمندی، مهدی (۱۳۹۷)، «نقض اصل لزوم وفای به عهد به موجب اصل حاکمیت دایمی دولت بر منابع طبیعی: جبران خسارت یا پرداخت غرامت؟»، **نشریه مطالعات حقوق انرژی**، دوره ۴، شماره ۱، صص ۱۸۳ تا ۲۱۰.
۵. مشیرنژاد، حمیرا؛ مصباح، احسان (۱۳۹۰)، موضوع اسرائیل در گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، **فصلنامه روابط خارجی**، شماره ۱، صص ۲۷۰-۲۴۵.
۶. نیکزاد، عباس (۱۳۸۳)، «اصول سیاست خارجی در قانون اساسی»، **مجله رواق اندیشه**، شماره ۳۱، صص ۲۴-۴۲.

۳- تارنماهای اینترنتی

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی کتابخانه های ایران
۲. پایگاه اطلاع رسانی حوزه
۳. پرتال جامع علوم انسانی
۴. پرتال نشریات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
۵. پرسمان دانشگاهیان
۶. تارنمای اسلام کوئست
۷. تارنمای پژوهشکده شورای نگهبان
۸. تارنمای خامنه ای دات آی آر
۹. تارنمای دانشنامه اسلامی
۱۰. جامع الاحادیث
۱۱. حوزه
۱۲. کتابخانه اهل البیت